

استقبال: پیشواز رفتن

نشاط: شادی و شوق

هیجان: شور و شوق

از چند روز پیش شنیده بودیم که قرار است مهمان **عزیز** و بزرگی به استان ما بیاید. همه جا سخن از آمدن ایشان و **حضور** گرم مردم و آماده شدن برای استقبال بود.

شادی و نشاط در چهره همه مردم شهر دیده می شد. بچه ها و جوان ترها بسیار رخسار: چهره

خوشحال و پرهیجان به نظر می آمدند. هرچه به روز ورود آن **مهمان** مهربان نزدیک انتظار: صبر کردن

می شدیم، تپش **قلب ها** تندتر می شد. تمام کوچه ها و خیابان های شهر، پاکیزه و تند# کند

آب و جارو شده بودند. همه جا و همه چیز و همه کس به انتظار رسیدن این شادی# ناراحتی

مهمان تماشای رخسار ایشان بودند.

اهداف درس

متن درس

درست و نادرست

درک مطلب

واژه آموزی

گوش کن و بگو

بخوان و بیاندیش

نشاط انگیز: شادی و شوق

نگار: شخص عزیز

مژده: تبریک

بی تاب: بی صبر

هیجان: شور و شوق

انبوه: زیاد

استقبال: پیشواز

سرودهای نشاط انگیز از «صدا و سیما» شنیده می شد.

«آب زنید راه را، همین که نگار می رسد - مژده دهید باغ را، بوی بهار می رسد...»

کم کم به آن روز نزدیک می شدیم. در مدرسه قرار گذاشتند که برای استقبال برویم. بچه ها خوشحال و بی قرار بودند؛ هر یک از ما لحظه شماری می کرد که روز استقبال کی می رسد؟! بالاخره آن روز رسید. شب قبل، آن قدر هیجان زده بودم که نمی دانم چطور خوابیدم؛ فقط به فردا و انبوه جمعیت فکر می کردم.

اهداف درس

متن درس

درست و نادرست

درک مطلب

واژه آموزی

گوش کن و بگو

بخوان و بیاندیش

عزیز: گرمی

نشاط: شادی

نسیم باد

خیره: حیران

غوغای: آواز

گرم # سرد

زودتر # دیرتر

صبح آن روز، زودتر از همیشه با شنیدن صدای جیک جیک گنجشکان هم آمدن این مهمان عزیز را جشن گرفته اند.

خوشحال و با نشاط به حیات رفتیم. نسیم خنک و ملایم بامدادی، دستی به صورت کشیده، خنکی هوای صبح را با تمام وجود حس کردم. کسی به تماشای جنبش گنجشک ها در لابه لای شاخه ها، خیره شدم، لحظه ای آرام نداشتند. آن چنان گرم غوغای گنجشکان شده بودم که متوجه نشدم چقدر از زمان گذشت تا اینکه صدای گرم و دوست داشتنی مادرم مرا به خود آورد.

اهداف درس

متن درس

درست و نادرست

درک مطلب

واژه آموزی

گوش کن و بگو

بخوان و بیاندیش

همیشه: سرود صدا

مشتاق: ارزشمند

خروشان: پرسرود صدا

شور و نشاط و همیشه گنجشک ها را رها کردم و مشتاق و پر توان به سوی مدرسه، پر کشیدم. بچه ها بی صبرانه ساعت ورود را می پرسیدند و مرتب به مسئولان مدرسه می گفتند: «پس کی به سمت محل دیدار و سخنرانی حرکت می کنیم؟»

اندک اندک، همه آمدند و با پوشش هماهنگ مدرسه در صف های منظم به

طرف محل حضور آقا به راه افتادیم و به جمعیت خروشان و خودجوش، پیوستیم.

کوچه و خیابان پر از جمعیت شده بود. جای سوزن انداختن نبود. اقیانوسی از انسان ها پدید آمده بود. موج جمعیت آدم ها را به این طرف و آن طرف

مرتب # نامرتب

می برد.

اهداف درس

متن درس

درست و نادرست

درک مطلب

واژه آموزی

گوش کن و بگو

بخوان و بیاندیش

علوی

ناگهان همه سرو صداها خاموش شد امواج اقیانوس مردم آرام امواج = موج گرفت. مثل این بود که خورشید این جمعیت طلوع کرده است. همه آرام # بی قرار طلوع # غروب مانند گل‌های آفتاب‌گردان به طرف او برگشتند.

آری، «آقا» آمدند و سخنان خود را آغاز کردند. برخی از شوق آغاز # پایان می‌گرفتند و جمعی مشتاقانه گوش می‌دادند. هنوز سخنان ایشان را به شوق: علاقه

خاطر دارم که فرمودند: «ما دبستان که رفتیم به ما گلستان درس مشتاق: علاقه می‌دادند خاطر: در ذهن

اهداف درس

متن درس

درست و نادرست

درک مطلب

واژه آموزی

گوش کن و بگو

بخوان و بیاندیش

علوی

. آن وقت که ما گلستان را می‌خواندیم، معنایش را نمی‌فهمیدیم. گلستان کتاب سعدی

بعدها در طول زمان، معنای آن اشعار و آن جملات را فهمیدیم؛ طول # عرض

این خوب است. انسان ممکن است چیزهایی را درست نفهمد فهمید # نفهمید

اما این برای فعالیت ذهن، زمینه درست می‌کند و خوب است، درست # نادرست

فکر کردن باید محور تلاش باشد. فعالیت: تلاش

محور: اساس

اهداف درس

متن درس

درست و نادرست

درک مطلب

واژه آموزی

گوش کن و بگو

بخوان و بیاندیش